

کتاب یوئیل اور لاودیکہ کی سیونتھ ڈے ایڈونٹسٹ کلیسیا — نمبر اکتالیس

Jeff Pippenger

2026-02-05

نمبر اکتالیس

احبار تئیسویں باب میں بہار اور خزاں کی عیدیں پیش کی گئی ہیں، اور عیدوں کی تمثیل اپنے ڈھانچے میں، اور مجموعی ساخت کے اندر آغاز اور اختتام کے ڈھانچوں کی کامل مطابقت میں، الہی طور پر نہایت عمیق ہے۔ بہار کی عیدیں اور خزاں کی عیدیں ایک دوسرے کے ساتھ ہم آہنگ ہیں۔ یہ باب بار بار پالمونی، اُس عجیب شمار کرنے والے، کی گواہی دیتا ہے۔ یہ باب مضبوطی اور حیرت انگیزی کے ساتھ ایک لاکھ چوالیس ہزار کے اخیرالایام کے پیغام سے مربوط ہے۔

عدد «۲۳» نمایانگر کفارہ است، کہ ترکیب الوہیت و انسانیت می باشد۔ نام لاویان نمایانگر کھانت یکصد و چھل و چہار ہزار است، زیرا ہمہ انبیا از ایام آخر سخن می گویند، و کاهنان ایام آخر همان کسانی هستند کہ پطرس آنان را کھانتی مقدس معرفی می کند۔ کھانت مقدس پطرس همان دانایانی هستند کہ فزونی معرفت را کہ پیام فریاد نیمہ شب را پدید می آورد، درک می کنند۔ جاہلان، یا شریران، چنان کہ دانیال آنان را معرفی می کند، فزونی معرفت را رد می کنند، و ہوشع بہ ما اعلام می دارد کہ بہ ہمین سبب ایشان از کھانت مردود می شوند۔

قوم من بہ سبب نبود معرفت ہلاک شدہ اند؛ چون تو معرفت را رد کردہ ای، من نیز تو را رد خواہم کرد تا برای من کاهن نباشی؛ و چون شریعتِ خدای خود را فراموش کردہ ای، من نیز فرزندان تو را فراموش خواہم کرد۔ ہرچہ ایشان افزون تر شدند، همان قدر بر ضد من گناہ ورزیدند؛ بنابراین، جلال ایشان را بہ ننگ مبدل خواہم ساخت۔ ہوشع ۶:۴، ۷

مستان افرائیم، کہ ایشعیا نیز آنان را «تاج جلال» می نامد، جلالشان بہ «رسوایی» مبدل شدہ است۔ ہوشع بہ طور مشخص معرفی می کند کہ آنان کہ فزونی معرفتِ ایام آخر را رد می کنند، کلیسای لائودیکہ ای ادونتیسٹ روز ہفتم هستند، زیرا او نوشتہ است: «قوم من»۔ قوم او ہمچون کاهنان مردود خواہند شد، و این در نسل نہایی و چہارم واقع می شود، زیرا او فرزندان ایشان را از یاد خواہد برد، و فرزندان نمایانگر آخرین نسل هستند۔

یک شدن با خداوند

عنوان «احبار 23» بہ معنای «کفارہ کھانت یکصد و چھل و چہار ہزار» است۔ این حقیقت را می توان تنها از نام کتاب در ارتباط با شمارہ فصل استنتاج کرد۔ کفارہ ای کہ احبار بیست و سہ بدان می پردازد، بہ معنای «یکی شدن» است و اتحاد الوہیت و انسانیت را مشخص می سازد۔ این اتحاد با انبویہی از نمادہا در کلام خدا بازنمایی شدہ است کہ یکی از آنها این است کہ ہیکل انسانی باید با ہیکل الہی متحد گردد۔

معبد انسانی دارای ساختاری از «۲۳» کروموزوم مذکر و «۲۳» کروموزوم مؤنث است۔ پطرس تصریح می کند کہ کھانت آن صد و چھل و چہار ہزار تن، «خانہ ای روحانی» هستند۔ آن کروموزوم ہا بہ یکدیگر می پیوندند، همان گونه کہ مرد و زن بہ ہم می پیوندند؛ و آنچه را خدا بہ ہم پیوستہ است، انسان از ہم جدا نسازد۔ ازدواج نیز نمادی دیگر از یگانگی است۔ لاویان «۲۳» بہ معنای ترکیب معبد کاهن اعظم آسمانی با معبد کاهنانی است کہ همان صد و چھل و چہار ہزار تن هستند۔

عیدهای بهاری در لاویان باب بیست و سه در بیست و دو آیه نخست این باب نمود یافته‌اند، و عیدهای پاییزی در بیست و دو آیه پایانی باب بازنمایی شده‌اند. آخرین آیه، آیه چهل و چهارم است؛ نمادی از ۱۸۴۴، زمانی که روز کفاره ضد نمونه‌ای در روز دهم ماه هفتم، در تحقق لاویان بیست و سه، آغاز شد. باب بیست و سه به دو دوره بیست و دو آیه تقسیم شده است؛ هر دو دوره بیست و دو آیه‌ای از این جهت که عیدها هستند، به گونه‌ای منطقی به یکدیگر مرتبط‌اند، اما همچنین به گونه‌ای منطقی از یکدیگر متمایزند: به واسطه خدمت مسیح در صحن و مکان مقدس، که با فصل بهار بازنمایی شده است، و خدمت او در اقدس‌الاقداًس، که با فصل پاییزی بازنمایی شده است.

22

هم عیدهای بهاری و هم عیدهای پاییزی با بیست و دو آیه بازنمایی شده‌اند، و این آیات با شهادت الفبای عبری، که از «۲۲» حرف تشکیل شده است، هم‌راستا هستند. «۲۲» یک‌دهم «۲۲۰» است، که نمادی از پیوند الوهیت و انسانیت می‌باشد. «۲۲۰» نمایانگر آغاز هر دو دوره ۲،۵۲۰ سال پراکندگی یهودا و ۲،۳۰۰ سال تا روز کفاره است. نقطه آغاز ۲،۵۲۰ سال، ۶۷۷ ق.م. بود و نقطه آغاز ۲،۳۰۰ سال، ۴۵۷ ق.م؛ بدین سان، دویست و بیست سال به عنوان پیوند میان نبوت پایمال شدن لشکر خدا و نبوت پایمال شدن مقدس خدا شناخته می‌شود. هر دوی آن نبوت‌ها با فرارسیدن روز کفاره مثالی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسیدند.

در آن تاریخ، کار مسیح در پیوند دادن هیکل انسانی با هیکل الهی آغاز شد، و در آن زمان، هم حقوق 2:20 و هم یوحنا 2:20 تحقق یافتند. حقوق نشان داد که الوهیت در آن هنگام در قدس‌الاقداًس بود، و یوحنا ثبت کرد که هیکل میلری که می‌بایست به ایمان به آن قدس‌الاقداًس داخل شود، دوره چهل و شش ساله‌ای را که برپایی هیکل انسانی میلری را از 1798 تا 1844 نشان‌گذاری می‌کرد، به کمال رسانده بود. تاریخ «46» سال، که از «23» و «23» تشکیل شده است، به وسیله کار و بلیام میلر نمایان می‌شود؛ کسی که نخستین بار در سال 1831، یعنی «220» سال پس از انتشار کتاب مقدس کینگز جیمز، پیام آن تاریخ را عرضه کردن آغاز کرد. کلام الهی که در سال 1611 منتشر شد، «220» سال بعد، در 1831، با یک پیام‌آور انسانی پیوند یافت. هر دو عید بهاری و پاییزی با «22» آیه نمایان شده‌اند.

بیست و دو آیه در دو سطر درباره یک موضوع واحد، از نظر نبوی اقتضا می‌کند که بیست و دو آیه نخست بر فراز بیست و دو آیه بعدی قرار داده شوند. با هم‌تراز ساختن این دو سطر بدین گونه، شما کار صحن و مکان مقدس را که در اعیاد بهاری نمایان شده است، با کار مسیح در قدس‌الاقداًس پیوند می‌دهید. در این سطح نبوی، این امر نمایانگر پیوند یافتن دو هیکل است، که کار مسیح را در ایجاد یگانگی به تصویر می‌کشد.

هنگامی که آیات یک تا بیست و دو با آیه بیست و سه تا چهل و چهار هم‌راستا می‌شوند، خطی نبوی برقرار می‌گردد که بیست و دو حرف الفبای عبری بر آن شهادت می‌دهند، و نیز نمادپردازی نمایان شده به وسیله عدد «22» و همچنین نمادپردازی نمایان شده به وسیله اعیاد، همراه با تحقق آن اعیاد در تاریخ مقدس، بر آن گواهی می‌دهد.

آغاز عیدهای بهاری نخست سبت روز هفتم را مشخص می‌سازد، و پایان عیدهای پاییزی سبت سال هفتم را معین می‌کند. مسیح، به عنوان آلفا و امگا، سبت را در آغاز و انجام دو شاهد «22» در سلسله کهنات صد و چهل و چهار هزار قرار داد.

سبت روز هفتم، نور ویژه در آغاز روز کفاره ضد نمونه‌ای در سال ۱۸۴۴ بود، و نور سبت سال هفتم، نور پایان است. سبت روز هفتم همچنین نخستین محفل مقدس لاویان «۲۳» بود، چنان‌که سبت سال

هفتم آخرین محفل مقدّس در آن فصل است. سبت، الفا و اُمگای خطّ کاهن در فصل «۲۳» است. نخستین، یعنی سبتِ روز هفتم، الفای کِهانتِ صد و چهل و چهار هزار است، و آخرین، یعنی سبتِ سال هفتم، اُمگای کِهانتِ صد و چهل و چهار هزار است.

«آنانی که با خدا مشارکت دارند، در نور آفتابِ عدالت گام برمی‌دارند. ایشان با فاسد ساختن طریق خود در حضور خدا، نجات‌دهنده‌ی خویش را بی‌حرمت نمی‌سازند. نور آسمانی بر آنان می‌تابد. هرچه به پایان تاریخ این جهان نزدیک‌تر می‌شوند، معرفت آنان به مسیح و به نبوت‌های مربوط به او، بسیار افزون‌تر می‌گردد. آنان در نظر خدا دارای ارزشی بی‌نهایت‌اند؛ زیرا با پسر او در یگانگی‌اند. نزد ایشان کلام خدا از زیبایی و دل‌انگیزی برتر برخوردار است. آنان اهمیت آن را درمی‌یابند. حقیقت بر ایشان مکشوف می‌شود. تعلیم تجسد در پرتو درخششی ملایم جلوه‌گر می‌گردد. آنان درمی‌یابند که کتاب مقدس کلیدی است که همه‌ی اسرار را می‌گشاید و همه‌ی دشواری‌ها را حل می‌کند. آنان که از پذیرفتن نور و راه رفتن در نور سر باز زده‌اند، از درکِ راز دینداری ناتوان خواهند بود؛ اما آنان که در برداشتن صلیب و پیروی از عیسی درنگ نکرده‌اند، نور را در نور خدا خواهند دید.» The Southern Watchman, April 4, 1905.

در اینجا، «در نزدیکی پایان تاریخ این زمین»، در انتهای روز کَفّاره‌ی ضدنمادین، «تعلیم تجسد» یا درخششی «ملایم» آراسته شده است؛ همان‌گونه که تعلیم سبتِ روز هفتم در آغاز روز کَفّاره‌ی ضدنمادین آراسته شده بود.

«عیسی پوشش تابوت را برگرفت، و من لوح‌های سنگی را دیدم که ده فرمان بر آن‌ها نوشته شده بود. چون فرمان چهارم را درست در مرکز ده حکم دیدم، و هاله‌ای ملایم از نور آن را دربر گرفته بود، در شگفت شدم. فرشته گفت: "این یگانه فرمان از میان آن ده فرمان است که خدای زنده را، که آسمان‌ها و زمین و هیرآنچه را که در آن‌هاست آفرید، معرفی می‌کند. هنگامی که بنیادهای زمین نهاده شد، بنیاد سبت نیز نهاده گردید."» شهادت‌ها، جلد ۱، ص. ۷۵.

سبتِ روز هفتم، که «بنیاد» است، لاویان «۲۳» را آغاز می‌کند و سبتِ سال هفتم، شهادتِ کاهنان را، آن‌گونه که به وسیله‌ی اعیاد بهاری و پاییزی نمایان شده است، به پایان می‌رساند. سبتِ سال هفتم، معبدی را مجسم می‌سازد که بر بنیاد بنا شده است. سبتِ سال هفتم در پایان، به وسیله‌ی ۲,۵۲۰ نمایان می‌شود، همان‌گونه که سبتِ روز هفتم به وسیله‌ی ۲,۳۰۰ نمایان می‌گردد. سبتِ سال هفتم نمایانگر «تعلیم تجسد» است. سبتِ روز هفتم، نشان‌آفریننده است و سبتِ سال هفتم، نشان الوهیتِ متحد با انسانیت است.

هم‌راستا ساختن خطوط

هنگامی که اعیاد بهاری را با اعیاد پاییزی در لاویان بیست‌وسه هم‌تراز می‌کنیم، عید فیصَح در روز بعد با عید هفت‌روزه‌ی نانِ فطیر دنبال می‌شود، و عید نویرها در روز پس از آغاز عید هفت‌روزه‌ی نانِ فطیر فرا می‌رسد. سه نشانه‌ی راه در سه روز.

دوره‌ی هفت‌روزه‌ای که عید نانِ فطیر را تشکیل می‌دهد، با یک مجمع مقدّس آغاز می‌شود و با همان نیز پایان می‌یابد. روز پس از آغاز عید نانِ فطیر، عید نویرها فرا می‌رسد، و شامل تقدّمه‌ی نویر جو بهاری است. پنتیکاست، که عید هفته‌ها نیز نامیده می‌شود، پنجاه روز پس از عید نویرها واقع می‌شود؛ عیدی که آغاز یک دوره‌ی هفت‌هفته‌ای را مشخص می‌سازد که در روز چهل‌ونهم پایان می‌یابد، و پس از آن پنتیکاست می‌آید، که به معنای پنجاه است.

پسَح در شامگاهِ روز چهاردهم آغاز می‌شود. پسَح اجتماع مقدّس نیست.

پس در روز پانزدہم، عیدِ ہفت روزہ فطیر فرا می رسد۔ روزِ نخست و روزِ آخرِ این عیدِ ہفت روزہ، محفلِ ہای مقدس اند۔

روزِ بعد، یعنی روزِ شانزدہم، روزِ نوبرِ ہا فرا می رسد۔ سپس آن ہفت ہفتہ ای آغاز می شود کہ با عیدِ پنتیکاست مشخص شدہ است، و پنتیکاست یکی از ہفت اجتماعِ مقدس است کہ در اعیادِ بہاری و پاییزی نمود یافته اند۔ نوبرِ ہا اجتماعِ مقدس نیست۔

سپس در روزِ نخستِ ماہِ ہفتم، عیدِ کرناہا، محفلی مقدّس است۔

روزِ کفّارہ ساتویں مہینے کی دسویں تاریخ کو ایک مقدّس اجتماع ہے، لیکن عیدِ نہیں۔

نخستین روزِ عیدِ خیمہ ہا محفلی مقدّس است۔ پس از این عیدِ ہفت روزہ، روزِ ہشتمِ خیمہ ہا فرا می رسد، ہرچند روزِ ہشتم بیرون از دورہ ہایی دانستہ می شود کہ اعیادِ نمایندہ آن ہا ہستند۔ آن روزِ ہشتم محفلی مقدس است۔

این معادلِ ہفت اجتماعِ مقدّس است، اگر سبتِ روزِ ہفتم را کہ اعیاد را معرفی می کند نیز منظور کنید۔ ہفت اجتماعِ مقدّس و ہفت عید، ہرچند ترتیبِ تطابقِ آنها با اجتماعاتِ مقدّس بہ گونہ ای متفاوت است۔ نخستین و آخرین نشانہ ہا سبت ہا ہستند: نخست برای روز، سپس برای سال۔ در میانِ اعیادی کہ بین سبتِ آلفا و سبتِ اومگا مشخص شدہ اند، ہفت عید و پنج اجتماعِ مقدّس وجود دارد۔ اگر سبتِ روزِ ہفتم آلفا و سبتِ سالِ ہفتم اومگا را نیز شامل کنید، ہفت اجتماعِ مقدّس و ہفت عید خواهید داشت۔ دانستہ است کہ روزِ ہشتمِ خیمہ ہا جزئی از اعیاد نیست، و معمائی ہشتم را کہ از ہفت است پدید می آورد۔ مقصودی کہ من در اینجا بیان می کنم این است کہ عیسی، بہ عنوانِ پالمونی، تنوعِ اعداد را در بابِ «۲۳» بہ طرزی کاملاً شگفت انگیز سازمان دادہ است۔

بہار

بہار کے تہواروں میں ۷ خمیری روٹی کے سات دنوں پر مشتمل ایک عید کا زمانہ شامل ہے، جس کے آغاز پر ایک الفا مقدس اجتماع اور اختتام پر ایک اومیگا مقدس اجتماع ہوتا ہے۔ پینتیکوست بہار کے تہواروں میں تیسرا مقدس اجتماع ہے۔ پینتیکوست سات ہفتوں کے ایک زمانے کے بعد آتا ہے، جو پچاسویں دن کی عید پر ختم ہوتا ہے۔ بہار کے تہوار چار عیدی دنوں اور تین ادوار سے ممتاز ہیں۔ فسح، ۷ خمیری روٹی، اولین پھل، اور پینتیکوست یہ چار عیدی دن ہیں، اور تین ادوار یہ ہیں: ۷ خمیری روٹی کے سات دن، وہ انچاس دن جو پینتیکوست کے پچاسویں دن سے پہلے ہیں اور اسے شامل بھی کرتے ہیں، اور پہلے تین دن جو ایک ایسے دور پر مشتمل ہیں جو تین مراحل سے بنا ہے۔

نخستین ہدیہ نوبرِ دورہ فصّح با نخستین ہدیہ نوبر در روزِ پنتیکاست ہمراستاست؛ ہدایایِ نوبرِ جو در دورہ سہ روزہ فصّح، و ہدیہ نوبرِ گندم در پنتیکاست، در پایانِ فصلِ پنتیکاست کہ چهلونہ/پنجاہ روز است۔

سقوط

اعیادِ خزاں با یک روزِ عیدِ معین آغاز می شوند کہ دورہ ای دہ روزہ را شروع می کند و بہ داوری می انجامد۔ پنج روز پس از داوری، عیدیِ ہفت روزہ برگزار می شود کہ از آن میان، روزِ نخست و روزِ آخرِ آن ہفت روز بہ عنوانِ مجامعِ مقدّس تعیین شدہ اند۔ از روزِ پانزدہم تا روزِ بیست و دوم، عیدِ خیمہ ہا برگزار می شود و سپس در روزِ بیست و سوم، سبتِ زمینِ گرامی داشتہ می شود۔

ہنگامی کہ اعیادِ پاییزی را بر اعیادِ بہاری منطبق می سازیم، دو خط در برابرِ ما قرار می گیرد کہ ہر دو با بیست و دو آیہ نمایان شدہ اند؛ از این رو، این دو بہ واسطہٗ بیست و دو حرفِ الفبایِ عبری نیز

نمادپردازی می‌شوند. چون چنین شود، نخستین نشانهٔ راه، محفل مقدس سبت روز هفتم است، و آخرین نشانهٔ راه، محفل مقدس سبت سال هفتم.

اور ساتویں مهینے کی پندرھویں تاریخ کو بھی، جب تم ملک کی پیداوار جمع کر چکے ہو، تو تم خداوند کے لیے سات دن تک عید مناؤ؛ پہلے دن سبت ہو گی، اور آٹھویں دن بھی سبت ہو گی۔ احبار 23:39

پنطیکاست بارانِ اول بود و عید خیمہ‌ها بارانِ آخر است. افاضهٔ روح‌القدس در پنطیکاست به‌وسیلهٔ یک روز نمادین گردید، و افاضه‌ای که عید خیمہ‌ها آن را تمثیل می‌کند، دوره‌ای است که به پایان می‌رسد و سپس سبتی در پی آن می‌آید، یعنی روز هشتم پس از هفت روز. سبتی که در پی آخرین ظهور افاضهٔ روح‌القدس می‌آید، نمایانگر سبت زمین است که به مدت یک‌هزار سال آرام می‌گیرد.

”در زمان مصیبت، همگی ما از شهرها و دهات گریختیم؛ اما شریران ما را تعقیب کردند و با شمشیر به خانه‌های مقدسان درآمدند. آنان شمشیر را برای کشتن ما بلند کردند، اما شمشیر شکست و همچون کاهی بی‌قدرت بر زمین افتاد. آنگاه همگی ما شب و روز برای رهایی فریاد برآوردیم، و فریاد ما به حضور خدا بالا رفت. خورشید برآمد، و ماه از حرکت بازایستاد. جویبارها از جاری شدن بازماندند. ابرهای تیره و سنگین برخاستند و بر ضد یکدیگر برخورد کردند. اما یک جایگاه روشن از جلال استوار وجود داشت که از آنجا آواز خدا، همچون آواز آب‌های بسیار، صادر شد و آسمان‌ها و زمین را به لرزه درآورد. آسمان گشوده و بسته می‌شد و در اضطراب بود. کوه‌ها چون نیای در باد می‌لرزیدند و صخره‌های ژنده را به هر سو پرتاب می‌کردند. دریا چون دیگی می‌جوشید و سنگ‌ها را بر خشکی می‌افکند. و هنگامی که خدا روز و ساعت آمدن عیسی را اعلام کرد و عهد جاودانی را به قوم خود سپرد، یک جمله گفت و سپس درنگ کرد، در حالی که آن کلمات در سراسر زمین طنین‌انداز می‌شد. اسرائیل خدا با چشمان دوخته به بالا ایستاده بودند و به کلماتی گوش می‌دادند که از دهان یهوه بیرون می‌آمد و همچون غرش بلندترین رعد‌ها در سراسر زمین می‌پیچید. صحنه‌ای بس هولناک و باوقار بود. و در پایان هر جمله، مقدسان فریاد برمی‌آوردند: «جلال! هَلَلُیَوا!» چهره‌های ایشان از جلال خدا روشن شده بود؛ و آنان با آن جلال می‌درخشیدند، همان‌گونه که چهره موسی هنگامی که از سینا فرود آمد، می‌درخشید. شریران به سبب آن جلال نمی‌توانستند بر ایشان بنگرند. و هنگامی که برکت بی‌پایان بر کسانی اعلام شد که با مقدس نگاه داشتن سبت او، خدا را حرمت نهاده بودند، بانگِ عظیم پیروزی بر وحش و بر تصویر او برخاست.”

«سپس یوبیل آغاز شد، آنگاه که زمین باید آرام می‌گرفت.» Early Writings, 34.

الیوبیل سال پنجاهم است، پس از هفت دورهٔ هفت‌ساله، که همان چهل‌ونه روزی است که به روز پنجاهم پنتیکاست می‌انجامد. هنگامی که خطِ اعیاد پاییزی با اعیاد بهاری در کنار هم قرار می‌گیرد، چهل‌ونه روز پدید می‌آید که به پنتیکاست منتهی می‌شود؛ پنتیکاستی که آغاز دورهٔ هفت‌روزهٔ عید خیمه‌ها را مشخص می‌سازد. پنتیکاست و عید خیمه‌ها با یکدیگر منطبق می‌شوند، و با هم دورهٔ بارانِ آخر را مشخص می‌کنند؛ دوره‌ای که با قانون یکشنبه‌ای نزدیک‌الوقوع آغاز می‌شود و تا بسته شدنِ زمان آزمایش ادامه می‌یابد، خداوند باز می‌گردد، و سپس زمین آرام می‌گیرد؛ همان‌گونه که در سبت سال هفتم نمود یافته است، که آن، هشتمین آن هفت‌تا در عید خیمه‌هاست.

هنگامی که هر دو رشته بیست‌ودو آیه‌ای را در کنار هم می‌آوریم، این کار را به چند دلیل انجام می‌دهیم. هر دو رشته مشتمل بر بیست‌ودو آیه‌اند، و بیست‌ودو یک‌دهم ۲۲۰ است؛ نمادی از پیوند الوهیت و انسانیت.

هر دو سطر نمایانگر الفبای عبری مشتمل بر بیست‌ودو حرف هستند.

هر دو خط نمایانگر اعیاد هستند.

هر دو خط، دو فصل دروی سال را نمایندگی می‌کنند.

هر دو خط، کار مسیح را در صحن، مکان مقدس و مکان اقدس نمایان می‌سازند. لاویان به کاهنان مربوط است، و عیسی کاهن اعظم آسمانی است. از این‌رو، ما در به‌کار بستن روش «خط بر خط» بر چهل‌وچهار آیه لاویان بیست‌وسه محق و موجه هستیم.

پنتیکاست باران نخستین برای مسیحیت بود و عید خیمه‌ها باران واپسین برای مسیحیت است. از این‌رو، «روز پنتیکاست» در بهار را با هفت روز عید خیمه‌ها در پاییز متناظر می‌دانیم. هنگامی که خواهر وایت اظهار داشت: «در زمان تنگی، همه ما از شهرها و دهات گریختیم»، او زمانی را مشخص می‌کند که قوم خدا به سبب آزار در بیابان سکونت دارند. سکونت در خیمه‌ها در موسم عید خیمه‌ها، به‌طور نمادین، تاریخی را مجسم می‌سازد که مستقیماً به استراحت یوبیل سبت برای زمین منتهی می‌شود.

روز پنتیکاست آغاز هفت روز خیمه‌ها را نشان می‌دهد. سپس یوبیل به‌وسیله روز هشتم نمایان می‌شود، یعنی روزی از هفت روز خیمه‌ها. پنج روز پیش از عید خیمه‌ها، روز کفاره بود. پس پنج روز پیش از پنتیکاست که آغاز خیمه‌ها را نشان می‌دهد، داوری مشخص می‌گردد. ده روز پیش از داوری روز کفاره، عید کرناها است. هنگامی که این خطوط با یکدیگر ترکیب می‌شوند، پنج روز پیش از قانون یکشنبه، که به‌وسیله پنتیکاست نمایان شده است، داوری مشخص می‌گردد. ده روز پیش از آن، عید کرناها مشخص می‌شود.

تعمید مسیح، نمایانگر مرگ، دفن و رستاخیز او بود. این سه گام به‌واسطه مرگ او در عید فصیح، دفن و آرام‌گرفتن او در روز سبت، و رستاخیز او در روز یکشنبه بازنمایی می‌شوند. سه روز مرگ، دفن و رستاخیز او یک نشانه راه است که از سه گام تشکیل شده است. از این‌رو، ما ترکیب دو خط اعیاد بهاری و پاییزی را از رستاخیز آغاز می‌کنیم. رستاخیز روز سوم، دوره چهل‌ونه‌روزه‌ای را آغاز می‌کند که به پنتیکاست می‌انجامد، که همان قانون یکشنبه است. آن دوره چهل‌ونه‌روزه، مسبوق به عید نان فطیر است که یک روز پیش‌تر آغاز می‌شود و تا پنج روز پس از روز نوبرها امتداد می‌یابد.

از رستاخیز نوبرها تا قانون یکشنبه چهل‌ونه روز است، و قانون یکشنبه روز پنجاهم می‌باشد. پنج روز پیش از قانون یکشنبه، داوری به تصویر کشیده شده است، و ده روز پیش از آن داوری، هشدار کرناها مشخص گردیده است. رستاخیز نخستین نشانه راه است؛ سپس پنج روز بعد، دوره فطیر پایان می‌یابد. سی روز پس از پایان فطیر، هشدار کرناها رخ می‌دهد. ده روز بعد، داوری روز کفاره مشخص می‌شود و پنج روز بعد، قانون یکشنبه پنتیکاست فرا می‌رسد.

.Esto identifica siete hitos en la aplicación línea sobre línea de las fiestas de primavera y de otoño: el comienzo de los panes sin levadura, la resurrección, el fin de los panes sin levadura, la advertencia de las trompetas, el juicio, Pentecostés y la lluvia tardía. Estos siete hitos están enmarcados dentro de un sábado alfa del séptimo día y un sábado omega del séptimo año. Los siete hitos, situados entre los dos sábados, aíslan e identifican un período de cinco días, seguido por un período de treinta días, un período de diez días, un período de cinco días y un período de siete días

پس هنگامی که قیام مسیح را با این الگو منطبق می‌سازیم، درمی‌یابیم که دوره‌ای چهل‌روزه وجود داشت که او در آن شاگردان را «رو در رو» تعلیم می‌داد و پس از آن صعود کرد. سپس شاگردان به مدت ده روز در بالاخانه بودند. آن ده روز در روز پنتیکاست، که همان قانون یکشنبه است، به پایان رسید. این امر، یک دوره چهل‌روزه و یک دوره ده‌روزه را به خط کاهنان که به‌وسیله لاویان «23»

نمایانده شده است، می‌افزاید.

له قیامت خخه د بېخمیرو ډوډۍ تر پای پورې پنځه ورځې دي، بیا د شپېلۍ د خبرداري تر ورځې دېرش ورځې دي، بیا د مسیح تر عروج پورې پنځه ورځې دي، بیا تر قضاوت پورې پنځه ورځې دي، بیا د پېنټ کاست د وروستي باران د اوو ورځو تر پوره کېدو پورې پنځه ورځې دي.

آغاز ایام بفتگانۀ فطیر کے اگلے ہی دن قیامتِ نوبر واقع ہوتی ہے۔ یہ قیامت ایام بفتگانۀ فطیر کے اندر واقع ہوتی ہے، اور قیامت کے پانچ دن بعد فطیر کا زمانہ اختتام کو پہنچتا ہے۔

سی روز پس از پایان نان فطیر، کرناھا هشدارۍ را اعلام می‌کنند.

پانچ دن بعد، نرسنگوں کی تنبیہ کے بعد، مسیح چالیس دن تک تعلیم دینے کے بعد صعود فرما گئے۔ اُن کا صعود بالا خانے میں دس دنوں کے آغاز کی علامت تھا۔

پس پنج روز پس از عروج او، داوری رقم می‌خورد.

پنج روز بعد، قانون یک شنبہ پنتیکاست دورہ ہفت روزہ بارانِ آخر را آغاز می‌کند.

ایک لاکھ چوالیس ہزار وہ ہیں جو برہ کے پیچھے پیچھے جہاں کہیں وہ جاتا ہے، چلتے ہیں۔ ایلیاہ اور موسیٰ 18 جولائی 2020 کو قتل کیے گئے۔ وہ اسی جگہ قتل کیے گئے جہاں ہمارا خداوند بھی مصلوب کیا گیا تھا۔ مسیح کا جی اُٹھنا 31 دسمبر 2023 کے جی اُٹھنے کی تمثیل تھا۔ اس تاریخ سے پہلے، جولائی 2023 میں، بیابان میں ایک آواز نے ایسا پیغام سناتا شروع کیا جوے خمیری روٹی کے طور پر ظاہر کیا گیا ہے۔ خمیر گمراہی، ریاکاری اور گناہ کی نمائندگی کرتا ہے، اور بیابان سے آنے والا پیغام ہے خمیر تھا۔ 31 دسمبر 2023 سے اتوار کے قانون تک، احبار ”23“ نے ایک لاکھ چوالیس ہزار کے کفارے کا ایک ڈھانچا مقرر کیا ہے۔ یہ ڈھانچا ملر کے خواب، ملاکی تین، اور مکاشفہ انیس کی آسمان کی کھڑکیوں کے ساتھ ہم آہنگ ہے۔ یہ 27 سے 34 عیسوی کے مقدس ہفتے میں تیسرے اور نویں گھنٹے کے ساتھ بھی ہم آہنگ ہے۔

ما این مطالب را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«و به معرفت، حجره‌ها از هرگونه ثروت گران بها و دلپذیر پُر خواهد شد.»

«چراکہ برای ذہن و جان، همان‌گونه کہ برای بدن، قانون خدا این است کہ نیرو از راہ کوشش بہ دست می‌آید. آنچه موجب پرورش می‌شود، تمرین است. در ہماہنگی با این قانون، خدا در کلام خویش وسایل رشد ذہنی و روحانی را فراہم ساختہ است.»

کتاب مقدس دربردارندہ ہمۀ اصولی است کہ انسان‌ها برای آن کہ برای این زندگی یا برای زندگی آیندہ مہیا شوند، باید آن‌ها را درک کنند. و این اصول را ہمگان می‌توانند بفہمند. ہیچ کس کہ روحی قدردان تعلیم آن داشتہ باشد، نمی‌تواند حتی یک بخش از کتاب مقدس را بخواند، بی‌آن کہ از آن اندیشہ‌ای سودمند بہ دست آورد. اما گران‌بہاترین تعلیم کتاب مقدس از مطالعہ گہگاہ یا گسستہ حاصل نمی‌شود. نظام عظیم حقیقت آن چنان عرضہ نشدہ است کہ خوانندہ شتابزدہ یا بی‌مبالات بتواند آن را دریابد. بسیاری از گنجینہ‌های آن بسی ژرف‌تر از سطح نہفتہ‌اند، و تنہا بہ وسیلہ کاوشی مجدانہ و کوششی پیوستہ بہ دست می‌آیند. حقایقی کہ مجموعہ آن کل عظیم را پدید می‌آورند، باید جست‌وجو شوند و گرد آورده شوند، «اینجا اندکی و آنجا اندکی.» اشعیا 28:10.

«وقتی این‌گونه جست‌وجو شدہ و در کنار ہم گرد آورده شوند، آشکار خواهد شد کہ بہ‌گونه‌ای کامل با یکدیگر تناسب دارند. ہر انجیل متمم اناجیل دیگر است، ہر نبوتی تبیینِ نبوتی دیگر، و ہر حقیقتی بسطِ حقیقتی دیگر. نمونہ‌های رمزی نظام یہودی بہ‌وسیلہ انجیل روشن می‌گردند. ہر

اصل در کلام خدا جایگاه خود را دارد، و ہر واقعیت دلالتِ خاصِ خود را۔ و این ساختارِ کامل، ہم در طرح و ہم در اجرا، بر مؤلفِ خویش شہادت می‌دہد۔ چنین ساختاری را ہیچ ذہنی جز ذہن نامتناہی نہ می‌تواند تصور کند و نہ پدید آورد۔»

»در جست‌وجوی بخش‌های گوناگون و بررسی ارتباط آن‌ها با یکدیگر، والاترین قوای ذہن انسان بہ فعالیتِ شدید فراخواندہ می‌شود۔ ہیچ کس نمی‌تواند بہ چنین مطالعہ‌ای پردازد، بی‌آنکہ توانایی ذہنی خویش را پرورش دہد۔»

»و ارزش ذہنی مطالعہٗ کتاب مقدس تنها در جست‌وجوی حقیقت و گرد آوردن آن نیست۔ این ارزش ہمچنین در کوششی نہفتہ است کہ برای درک موضوعات ارائه‌شدہ لازم است۔ ذہنی کہ تنها بہ امور پیش‌پاافتادہ مشغول باشد، کوچک و ناتوان می‌شود۔ اگر ہرگز بہ فہم حقایق عظیم و دوردامنہ واداشتہ نشود، پس از مدتی قدرتِ رشد را از دست می‌دہد۔ بہ عنوان حفاظی در برابر این انحطاط و محرکی برای رشد، ہیچ چیز با مطالعہٗ کلام خدا برابری نمی‌کند۔ کتاب مقدس بہ عنوان وسیلہ‌ای برای پرورش فکری، از ہر کتاب دیگر، یا از ہمہٗ کتاب‌های دیگر روی ہم، مؤثرتر است۔ عظمتِ موضوعات آن، سادگیِ باوقارِ بیاناتش، و زیباییِ تصاویرش، اندیشہ‌ها را چنان برمی‌انگیزد و تعالی می‌بخشد کہ ہیچ چیز دیگر نمی‌تواند۔ ہیچ مطالعہ دیگر نمی‌تواند چنان توانِ ذہنی‌ای ببخشد کہ تلاشی کہ برای درکِ حقایقِ شگفت‌انگیزِ مکاشفہ لازم است، می‌بخشد۔ ذہنی کہ بدین سان با افکارِ نامتناہی در تماس آورده شود، ناگزیر گسترش می‌یابد و نیرومند می‌گردد۔»

”اور بھی بڑھ کر، روحانی فطرت کی نشوونما میں بائبل کی قدرت عظیم ہے۔ انسان، جو خدا کے ساتھ رفاقت کے لیے پیدا کیا گیا ہے، صرف اسی رفاقت میں اپنی حقیقی زندگی اور اپنی ترقی پا سکتا ہے۔ چونکہ وہ اس لیے پیدا کیا گیا کہ خدا میں اپنی اعلیٰ ترین خوشی پائے، اس لیے وہ کسی اور چیز میں وہ شے نہیں پا سکتا جو دل کی آرزوؤں کو سکون دے، جو جان کی بھوک اور پیاس کو سیر کرے۔ جو شخص مخلص اور سیکھنے والے دل کے ساتھ خدا کے کلام کا مطالعہ کرتا ہے، اور اس کی سچائیوں کو سمجھنے کی جستجو کرتا ہے، وہ اس کے مصنف کے ساتھ رابطہ میں لایا جائے گا؛ اور، سوائے اس کے کہ وہ خود ایسا انتخاب کرے، اس کی ترقی کے امکانات کی کوئی حد نہیں۔“

»کتاب مقدس در گسترہٗ وسیع سبک‌ها و موضوعات خود، چیزی دارد کہ ہر ذہنی را علاقہ‌مند سازد و ہر دلی را مخاطب قرار دہد۔ در صفحات آن، کهن‌ترین تاریخ یافت می‌شود؛ شرح‌حال‌هایی کہ از ہمہ بہ واقعیت زندگی نزدیک‌تر است؛ و اصول حکومت برای ادارہٗ دولت و برای تنظیم خانوادہ—اصولی کہ حکمت انسانی ہرگز ہمتای آن را پدید نیاوردہ است۔ این کتاب، ژرف‌ترین فلسفہ، شیرین‌ترین و والاترین شعر، سوزناک‌ترین و جان‌گذازترین بیان را در خود دارد۔ نوشتہ‌های کتاب مقدس، حتی ہنگامی کہ تنها از این منظر سنجیدہ شوند، از لحاظ ارزش بی‌اندازہ برتر از آثار ہر نویسندہٗ بشری‌اند؛ اما ہنگامی کہ در ارتباط با آن اندیشہٗ مرکزی عظیم نگریستہ شوند، دامنہ‌ای بہ مراتب گسترده‌تر و ارزشی بہ مراتب بزرگ‌تر، بلکہ نامتناہی دارند۔ در پرتو این اندیشہ، ہر موضوعی معنایی تازہ می‌یابد۔ در سادہ‌ترین حقایقی کہ بیان شدہ‌اند، اصولی نہفتہ است کہ بہ بلندی آسمان‌اند و ابدیت را در بر می‌گیرند۔»

مرکزی موضوع کتاب مقدس، وہ موضوع جس کے گرد پوری کتاب کے ہر دوسرے موضوع کی ترتیب ہوتی ہے، نجات کا منصوبہ ہے—یعنی انسانی جان میں خدا کی صورت کی بحالی۔ عدن میں سنائے گئے حکم سزا میں امید کی پہلی چھلک سے لے کر مکاشفہ کے اُس آخری جلالی وعدہ تک، ”وہ اُس کا چہرہ دیکھیں گے؛ اور اُس کا نام اُن کی پیشانیوں پر ہوگا“ (مکاشفہ 22:4)، بائبل کی ہر کتاب اور ہر عبارت کا حاصل اسی عجیب الشان موضوع کا انکشاف ہے—انسان کی رفعت—خدا کی وہ قدرت، ”جو ہمارے خداوند یسوع مسیح کے وسیلہ سے ہم کو فتح بخشی ہے۔“ 1 کرنتھیوں 15:57۔

«آن که این اندیشه را درمی‌یابد، پیش روی خود عرصه‌ای بی‌کران برای مطالعه دارد. او کلیدی را در اختیار دارد که تمامی خزانه کلام خدا را بر او خواهد گشود.»

«رستگاری کی علم تمام علوم کی علم‌ه؛ وه علم جو فرشتوں اور غیرساقطه عوالم کی تمام ذی‌عقول ہستیوں کے مطالعہ کا موضوع‌ه؛ وه علم جو ہمارے خداوند اور نجات دہندہ کی توجہ کو مشغول رکھتا‌ه؛ وه علم جو اُس مقصد میں داخل‌ه جو لامحدود کے ذہن میں پروان چڑھتا رہا—جو ازلی زمانوں سے خاموش رکھا گیا» (رومیوں 16:25، R.V.)؛ وه علم جو خدا کے مخلصوں کا ابدالآباد تک مطالعہ رہے گا۔ یہ سب سے اعلیٰ مطالعہ‌ه جس میں انسان مشغول ہو سکتا‌ه۔ کسی اور مطالعہ کی مانند نہیں، یہ ذہن کو چلا بخشے گا اور روح کو سرفراز کرے گا۔»

«برتری معرفت در این است کہ حکمت به دارندگان خود حیات می‌بخشد.» عیسی گفت: «سخنانی کہ من به شما می‌گویم، روح و حیات هستند.» «و حیات جاودانی این است کہ تو را، خدای واحد حقیقی، و آن کہ را کہ فرستادی، یعنی عیسی مسیح، بشناسند.» جامعہ ۷:۱۲؛ یوحنا ۶:۶۳؛ ۱۷:۳، R.V.

«نیروی آفرینندہ‌ای کہ جهان‌ها را به عرصه وجود فراخواند، در کلام خداست. این کلام قدرت می‌بخشد؛ حیات می‌زاید. هر امر، وعده‌ای است؛ چون به اراده پذیرفته شود و در جان جای گیرد، حیات آن ذات نامتناهی را با خود می‌آورد. سرشت را دگرگون می‌سازد و جان را به صورت خدا از نو می‌آفریند.»

زندگی‌ای کہ بدین‌سان عطا می‌شود، به همان‌گونه نیز پایدار نگاه داشته می‌شود. انسان «به هر کلمه‌ای کہ از دهان خدا صادر می‌شود» (متی ۴:۴) زیست خواهد کرد.

„ذهن، یعنی جان، با آنچه از آن تغذیه می‌کند بنا می‌یابد؛ و این بر عهده ماست کہ تعیین کنیم با چه چیزی تغذیه شود. در توان هر کس هست کہ موضوعاتی را برگزیند کہ اندیشه‌ها را به خود مشغول سازند و شخصیت را شکل دهند. خدا درباره هر انسانی کہ از امتیاز دسترسی به کتب مقدس برخوردار است، می‌فرماید: «چیزهای عظیم شریعت خود را برای او نوشته‌ام.» «مرا بخوان، و تو را اجابت خواهم کرد، و تو را از چیزهای عظیم و مخفی کہ نمی‌دانی آگاه خواه ساخت.» هوشع ۸:۱۲؛ ارمیا ۳:۳۳.

«با کلام خدا در دستانش، هر انسان، در هر جا کہ قرعه زندگی‌اش افتاده باشد، می‌تواند از چنان مصاحبت و همنشینی‌ای برخوردار گردد کہ خود برگزیند. در صفحات آن می‌تواند با شریف‌ترین و بهترین نوع بشر هم‌سخن شود و به آواز آن ازلی گوش فرا دهد، آنگاه کہ با انسان سخن می‌گوید. هنگامی کہ مضامینی را کہ «فرشتگان آرزومندند در آن‌ها بنگرند» (Peter 1:12) مطالعه می‌کند و در آن‌ها تأمل می‌ورزد، می‌تواند همنشینی ایشان را داشته باشد. می‌تواند گام‌های آن معلم آسمانی را دنبال کند و به سخنان او گوش سپارد، چنان‌که وقتی بر کوه و دشت و کنار دریا تعلیم می‌داد. می‌تواند در این جهان در فضای آسمان ساکن باشد و به غم‌دیدگان و وسوسه‌شدگان زمین، اندیشه‌هایی از امید و اشتیاق‌هایی برای قدوسیت منتقل سازد؛ و خود، هرچه بیشتر و بیشتر، به مشارکت با آن نادیده نزدیک شود؛ همچون آن کہ در روزگاران کهن با خدا راه می‌رفت، و پیوسته به آستانه جهان جاودانی نزدیک‌تر می‌شد، تا آن‌گاه کہ دروازه‌ها گشوده شوند و او به آنجا داخل گردد. او خود را بیگانه نخواهد یافت. صداهایی کہ از او استقبال خواهند کرد، صداهای مقدسانی خواهند بود کہ، هرچند نادیده، بر زمین همنشینان او بودند—صداهایی کہ او در اینجا آموخت آن‌ها را بازشناسد و دوست بدارد. آن کہ از طریق کلام خدا در مشارکت با آسمان زیسته است، خود را در همنشینی آسمان در خانه خواهد یافت.» Education, 123–127.